

دعوت از ناشران برای پیوستن به پویش سرزمین زیتون

میثم نبیلی، مدیر عامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی از ناشران برای پیوستن به پویش سرزمین زیتون دعوت کرد. این پویش در چهار محور اصلی از جمله حرکت تاریخی در فلسطین، عقد اخوت ناشران ایرانی با ناشرهای لبنانی آسیب دیده از تجاوز رژیم صهیونیستی برای کمک به احیای انتشارات آنان، مشارکت در تأمین مبلغ جایزه جهانی ادبیات فلسطین برای تقویت جریان تولیدی روایت مقاومت و

فلسطین، مشارکت در تأمین قرآن و کتب ادعیه و کتاب‌های کودک ونوجوان غیر فارسی برای مردم لبنان برگزار می‌شود. نبیلی با بیان این که در کنار مردم لبنان و غزه بودن وظیفه شرعی همه ماست، گفت: بعضی از ناشران لبنانی را داریم که در حال حاضر تمام موجودی خود را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی مجموعه ناشران در قبال ناشران آسیب دیده از جنگ وظیفه دارد و باید کمک کنیم و حتی در ارسال و توزیع

صحنیتی راجع به این موضوعات نمی‌شود. من به عسلویه رفتم و به چشم خودم دیدم که چه کارهای بزرگ و عظیمی به دست بچه‌های خودمان انجام شده است، چراکسی راجع به این چیزها حرف نمی‌زند؟ [۱] این در حالی است که می بینیم این نقشه راه رقیب یا بهتر بگوییم دشمن فرهنگی در دوره قاجار هم برای ما اجرا کرده است. ابتدا دسترسی شما نسبت به علم قطعی شود، چون می‌دانند ایرانی وقتی به علم دست پیدا کند رشد معمولی و خطی نمی‌کند، بلکه جهش خواهد داشت و تصاعدی رشد می‌کند. معمولاً این نظریه را عنوان و روی آن کار می‌کنم که وقتی یک ایرانی می‌رود تا در خارج رسانه بخواند، فوت کوزه‌گری را به او یاد نمی‌دهند مگر جذب شده باشد و بخواهند از او استفاده کنند. با این روش فقط پوسته رسانه را آموزش می‌دهند، برای همین رسانه در کشور ما دور خودش می‌چرخد و به دیوار می‌خورد، ولی آنها سناریوهای هدفمند شناختی خودشان را روی ما پیاده می‌کنند و روی مخاطب اثر می‌گذارند و ناخواسته وارد بازی آنها می‌شویم. در مورد علوم مختلف دیگر هم همین‌طور است، به طور مثال یکی از اهداف تحریم، دانشجویان ایرانی خارج از کشور هستند تا دلار به آنها نرسد. در معذوریت بمانند و به مهاجرت و جذب تن بدهند، با این که فرد نتواند شهرویه خودش را بپردازد یا جذب شود یا مجبور شود بر طرف بشوید و کسب علم او تحت تأثیر قرار گیرد.

شما یک کلیدواژه پر تکرار تحت عنوان «بولدرهای دنیا» دارید که در برنامه‌های مختلف به آن به عنوان یک رنگ جنگ بزرگ اشاره می‌کنید که

به قول معروف همه مسیرها به این «ترم» بولدرهای دنیا ختم می‌شود. آیا اینها را خطرناک‌ترین جریان می‌دانید؟

اول باید ببینیم که بولدرهای دنیا چه کسانی هستند. اگر مشخص شود که بولدرها چه کسانی هستند بعدش می‌توانیم ارزیابی کنیم که خطرناک‌ترین هستند یا نیستند. ما و اصولاً جبهه انقلاب در این سال‌ها کلیدواژه‌های زیادی تولید کرده‌ایم و حتی قبل از انقلاب نیز این اتفاق رخ داده است. مثلاً اگر سخنرانی‌های اسام را در مقاطع مختلف ببینید، می‌توان گفت ایشان خودشان از این‌ها ساز هستند. به عنوان مثال نیروهای امنیتی در دنیا معمولاً بدنام‌ترین گروه‌های متناسب به یک دولت هستند، ولی برای بچه‌هایی که خدمت می‌کنند عنوان «سربازان گمنام» را انتخاب می‌کند. ما مثل این کلیدواژه‌ها زیاد داشته‌ایم.

[۲] بدلش را می‌سازد، مثلاً تخصص جریان صهیونیستی این است که داشته‌ها و ویژگی‌های شما را به ضد خودتان تبدیل می‌کند.

یعنی طوری می‌شود که اگر برخی واژه‌ها را استفاده کنی با ریزش مخاطب رو به روی می‌شوی. همه دوستان که مهاجرت کرده و زیر پرچم غرب زندگی می‌کنند حتی اگر در شرق باشند، چون هر جایی که داخل کیف پولتان ویزاکارت باشد در همان حوزه اقتصادی زیست می‌کنید. تنفلیکس و هلو همه جا برای شما همان است و هر جا بروید زیر همان چتر غرب خواهید بود. خب! مساله این است که باید به اینها چه بگوییم؟ اینها کسانی هستند که خیلی پول دارند و اقتصاد و رسانه را با آن کنترل و جنگ‌ها را مدیریت می‌کنند. سابقاً کشتی هایشان که تکانی می‌خورد، یک جای دیگر دولت عوض می‌شد. اینها با پولشان خیلی کارهای می‌کنند، جنایت و نسل‌کشی می‌کنند و قس علیهذا! همین است که نمی‌توانم نامی جز «خطرناک‌ترین‌های دنیا» روی این افراد بگذارم. برخی می‌گویند توهم توطنه است، ولی واقعاً با این همه آدرس و ردپا اینها توهم هستند و واقعیت ندارند؟!

[۳] کسانی که توهم توطنه را القا می‌کنند خودشان هم از ابزارهای این جریان «خطرناک‌ترین‌های دنیا» هستند.

همین‌طور است، می‌خواهند فرد را در ماریج سکوت نگاه دارند، می‌گویند ساکت باش، اینها توهمی بیش نیست. در حالی که من خودم عملاً این را تجربه کرده‌ام و زمانی که خارج از کشور بودم به دلیل ایرانی بودن حساب بانکیم بسته شد یک ایمیل به بانک مربوطه زدم و نوشتم: من تروویست نیستم، یک آرتیستم! اما هر چه تلاش کردم، چون ایرانی بودم قبول نکردند که آن را باز کنند. فقط یک ربات پیام داد که اگر مدارک هویتی از کشور دیگری دارید بفرستید، چون با مدارک شما قادر به بازکردن این حساب نیستم و مجدد که پیام دادم، همان پیام به صورت اتوماتیک برایم ارسال شد.

[۴] پاسکی تعارف ندارد.

بله. واقعاً تعارف ندارد و کاری هم ندارد که تو به چه کاری مشغولی، پزشکی، تخصصی، فیلسازی، فرقی نمی‌کند. همین که ایرانی هستی برایش کافی است که حساب بانکی شما را ببندد. این در حالی بود که وقتی

هم باید کمک کنیم تا جنگ به نصرت الهی منجر شود.

وی گفت: جایزه جهانی ادبیات فلسطین، توسط اتحادیه و تشکل‌های مردمی پایه‌گذاری شده است و پشتوانه دولتی ندارد. این رویداد یک ماه دیگر برگزار می‌شود و نیاز به تمکن مالی دارد بنابراین ناشران می‌توانند در تأمین جایزه ادبی فلسطین مشارکت داشته باشند چراکه بخشی از مبارزه علیه رژیم صهیونیستی است.



مهاجرت کردم، قصدم این بود که در جامعه مقصد آم‌مقیدی باشم، اما با همه تعامل و مشارکت سازنده‌ای که با جامعه داشتم، انگار اینها اصلاً برایشان مهم نبود و فقط به این فکر می‌کردند که شما ایرانی هستی! [۵] برای هر ویژگی و منبع و امکان فرهنگی شما رنگ جنگ می‌گذارند! بله، شما را به جرم ایرانی بودن در بلک لیست شان می‌گذارند و به همین راحتی حساب بانکی شما را می‌بندند. وقتی با این سطح از بی‌رحمی مواجه می‌شوید، در حالی که هیچ خطر و مزاحمتی برایشان ندارند، مثلاً من که یک تبلیغاتچی برایشان بیش نبودم، تحریم می‌کردند. چرا آخر! پاسخی که حتی به آن اشاره‌ای هم نمی‌شد این بود که من یک ایرانی‌ام. البته مطمئن هستم که افراد زیادی هستند که تجربه‌های خیلی بدتری از من دارند.

[۶] بله. تجربیات زندان ابوغریب که قصه‌های تلخ و سیاه زیادی دارد از یادها نخواهد رفت.

اینهایی که می‌گویند برادران عزیز آمریکایی! اسم این برخورد‌ها را چه می‌گذارند؟ اینهایی که می‌گویند باید سلاح‌مان را زمین بگذاریم یالین که اگر شما سلاح‌تان را زمین بگذارید، ما هم بر زمین می‌گذاریم، چه پاسخی برای این رفتارها دارند؟ اینها واقعاً یا طرف مقابل را نمی‌شناسند یا دارند خیانت می‌کنند. غیر از این دور‌ه، مسیر دیگری قابل تصور نیست و البته اگر نمی‌شناسند که باید گفت: چه بد!

[۷] یک بخشی از عدم آگاهی هم این است که وقتی می‌گوییم صهیونیست، عموماً نمی‌دانند شاگله مالی و اقتصادی دنیا مستقیماً به

اینها وصل است و اصلاً از بازی دلار تا بازی پول مجازی که دارد دنیا را تسخیر می‌کند، مرتبط با صهیونیست‌هاست. گاهی که گفته می‌شود صهیونیست‌ها برخی تصور می‌کنند، اینها بعد از اشغال فلسطین به وجود آمده‌اند، باور کنید نمی‌دانند که در طول تاریخ این بخش نفرتین شده قوم یهود همین فعل امروز در جنایت و نسل‌کشی را به نام دیگران انجام داده‌اند. مادر بخش‌های مختلف، گزارش‌های متنوعی کار کرده‌ایم که خوب است مخاطبان بروند جست‌وجو کنند و در این باره بخوانند و بیشتر بدانند. مثلاً شاعر برجسته ایرانی نداریم که برای خطر فتنه «جهود» انداز نداشته باشد. جالب این که توجه داشته باشیم تا قبل از این که واژه صهیونیست ساخته شود در ادبیات ما اینها به «جهود» شناخته می‌شدند. بخش فتنه‌گر قوم یهود که به هر حکومتی که نزدیک شدند، عملکرد آنان به یک نسل‌کشی تبدیل شده است. ضمن این که اگر نسل‌کشی‌های تاریخ را از گذشته تا امروز رصد کنیم، نوع رفتارهای انجام‌شده در این نسل‌کشی‌ها تکراری و مشابه است. در جام پلاسی که با آقای رضابرجی عکاس و مستندساز معروف داشتیم از ایشان پرسیدم شما در ۱۷ جنگ که نسل‌کشی مسلمانان بوده است، حضور داشته‌اید آیا فاکتورهایی مانند دریدن شکم زن برادر و شرط بندی جنین، کشتن بچه‌ها و نمایش آن و... در همه این جنگ‌ها تکرار نشده است؟ آقای برجی این اتفاقات مشابه و شبیع را تأیید می‌کرد و می‌گفت متأسفانه تکرار نسل‌کشی‌های تاریخ یک خط سیر است که ریشه در نگاه صهیونیستی دارد. اتفاقاتی که ممکن است در آفریقا رخ داده باشد و یا در قلب اروپا مثل بوسنی شاهد آن بوده باشیم. جنایت‌هایی که در سکوت رسانه‌ای در ۷۰ سال گذشته انجام شده است و امروز در غزه و لبنان شاهد فجیع‌ترین شکل آن هستیم.

آن هم جلو و مقابل دوربین‌های تلویزیونی دنا!

[۸] در این کار هم تصمدی وجود دارد. این عدم شناخت و آگاهی باعث می‌شود جریان رسانه‌ای و حتی مالی در ناشناخته‌بودن، قدرت بیشتری کسب کند. باز هم من تأکید می‌کنم و توضیح می‌دهم که چرا می‌گویم ارادت ویژه‌ای به شما. برنامه مکث و سایر فعالیت‌ها تبان داریم. دلایش این است که این آگاهی‌بخشی را به صریح‌ترین شکل ممکن، با زیرکی و در نوع تمیز و دقیق آن ارائه می‌دهید. یعنی زمانی که از واژه خاصی که در مورد بولدرهای دنیا ساخته‌اید استفاده می‌کنید مخاطبی که درگیر موضوع می‌شود می‌فهمد که ته ما چرا به بخش نفرتین شده یهود و صهیونیست و اشراقیت برخاسته از آن می‌رسد. نوعی آگاهی‌بخشی که در نوع خودش اتفاق‌های درخشانی است و باید تکرار شود.

به نظرم اگر برای دفاع از ارزش‌ها لکنت داشته باشید، به مقصد نمی‌رسید. با باید با صراحت لهجه و دقت بگویید و دقت از این باب که مسئولیت دنیوی و اخروی که در این باب روی دوش فرد گذاشته می‌شود، بسیار سنگین و خطرناک است. یعنی زمانی که کار تبیینی می‌کنیم، اگر حتی یک کلیدواژه غلط، سند تحریف شده یا اشتباهی ارائه شود، ممکن است مسیر زندگی عده‌ای تغییر کند که گاهی نابخشودنی است. چون این قدرت

پیام به امارات از یک مراسم تولد

هنرمندان پیشکسوت متولد مهر ماه دور هم جمع شدند تا بر سه ماه‌های گذشته، تولدشان را جشن بگیرند. در این مراسم عباس ظهیری، رئیس مؤسسه هنرمندان پیشکسوت با اشاره به ادعای «امارات» بر جزایر سه‌گانه ایران، گفت: حق داریم پاسخگوی ادعای بی‌جای هر کشوری باشیم. داریوش ارجمند، بازیگر و رئیس هیأت مدیره مؤسسه هم در مراسم اظهار کرد: مرگ سنوار، مرگ ساده‌ای نبود، او حتی با آخرین توان خود با تکه چوبی به پیکاد حمله کرد. زندگی برای اعتقاد مهم است و این اعتقاد را در هنرمندان قوی می‌بینیم. ارجمند در پایان گفت: یکی از اشتباهات پهلوی اول این بود که خلیج فارس را تنگس‌گاه خود نکرد و با رویکرد ضامنانه به سمت شمال رفت و از جنوب روی برگرداند در حالی که تنفس‌گاه و راه ما با جهان همین خلیج فارس است.

چاپ پنجم «جنگ که تمام شد بیدارم کن»

همزمان با هفتادمین زادروز عباس جهانگیریان از جدیدترین چاپ رمان «جنگ که تمام شد بیدارم کن» به قلم اب نوینستنده، به کوشش نشر چکانه رونمایی می‌شود.

«جنگ که تمام شد بیدارم کن» رمانی است در ژانر دفاع مقدس ویژه گروه سنی نوجوان که با زبانی ساده، روان‌نگر زندگی و دغدغه‌های نوجوانی ۱۶ ساله به نام حامی است که پس از بمباران خانه‌اش در آبادان، به‌هم‌مهاجرت کرده‌است. صدیقه حسن‌زاده، مدیرمسئول خانه‌فرهنگ و انتشارات چکانه گفت: چاپ پنجم «جنگ که تمام شد بیدارم کن» با اصلاحات نویسنده و طراحی جدید جلد، به کوشش نشر چکانه روانه بازار نشر خواهد شد. این‌نگیزه اصلی انتشار این رمان زادروزن مایه عاشقانه در فضای جنگ برای مخاطبان نوجوان بیان کرد و افزود: این رمان با وجود گذشت چهار دهه از جنگ تحمیلی، همچنان فرصت درک فضای جبهه و شرایط زندگی و فرهنگ آن دوره را فراهم می‌کند. او گفت: در مراسم رونمایی از چاپ پنجم این رمان، رضا پاک، حمیدرضا شاه‌آبادی، محسن هجری و امیرپیک محمدی، صحبت خواهند کرد. این نشست جمعه (۴ آبان‌ماه) در عمارت خط سوم واقع در خیابان ولیعصر، نرسیده به چهارراه ولیعصر، خیابان هاشمی قرب‌بن بست اول، پلاک یک برگزار می‌شود.



حس کوبر در آثار یک مجسمه ساز

نمایشگاه مجموعه آثار مجسمه لیلا مرتضوی یزدی با عنوان «دالان دل» جمعه ۴ آبان ماه در نگارخانه لاله افتتاح خواهد شد.

محمدعلی سعیدی، مدیر نگارخانه لاله درباره مجسمه که حاصل بیش از سه سال کار لیلا مرتضوی است، در این رویداد به نمایش درمی‌آید. به گفته او اید ه خلق این مجموعه از برخورد مستقیم با معماری مناطق کوبری ایران در دوران کودکی هنرمند آغاز شده و به مرور زمان توسعه یافته است. سعیدی معتقد است که فضای حاکم بر مجسمه‌های مرتضوی، بیانگر حس مکان در معماری ایرانی است. لیلا مرتضوی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد تصویرسازی دانشگاه هنر تهران و عضو انجمن سفالگران ایران، انجمن تصویرگران و انجمن توسعه هنرهای تجسمی معاصر است. این مجموعه برای اولین بار در نگارخانه لاله به نمایش گذاشته می‌شود. افتتاحیه این نمایشگاه روز جمعه از ساعت ۱۶ تا ۱۹ برگزار خواهد شد و نمایشگاه همه روزه از ۱۴ تا ۱۵ آبان ماه، از ساعت ۱۷ تا ۱۹ و روزهای پنج‌شنبه از ۹ تا ۱۳ به غیر از روزهای تعطیل دایر خواهد بود.



مانند اکسیژن، آب و... در دهه‌های ۷۰ که خلافت‌محور بود، موجب آگاهی‌بخشی در سنین مختلف شده و موفق هم بوده است. یا برنامه کوله‌پشتی تمدن و مقاومت، مؤثر و آگاهی‌بخش بود. برنامه‌هایی که از دهه ۸۰ به بعد مثلث را ندارند. چه بلایی بر سرمان آمده که رسانه‌ها وظایف خود را از یاد برده است؟ نمی‌دانم که باید چه کار کنند! چه بلایی بر سرما آمده است که جذابیت‌های ساده و مادی و سهل‌انگاری، محور تصمیم‌گیری ما برای تولید برنامه شده است؟

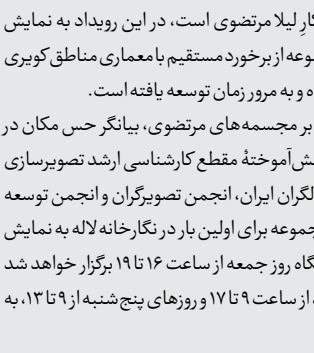
به نظرم یکی از عملیات‌هایی که رسانه‌های غربی، نه در این ۴۵ سال که حداقل در ۲۰۰ سال گذشته ما شروع کرده‌اند و روشنفکرها که به اروپا سفر کرده‌اند به آن دامن زده‌اند، این بود که بدناف نسل‌های بعدی را از تاریخ‌شان جدا کنند. اتفاقی که در ترکیه بعد از آتاتورک رخ داده این است و با تغییر الفبا، یک انقطاع نسلی به‌وجود آمده، زیربسیاری از جوانان

آن کشور دیگر امروز نمی‌توانند کتاب‌های تاریخی خودشان را بخوانند. حتی قادر نیستند نوشته‌های سر در مساجدشان را که با رسم‌الخط عربی نوشته شده است، بخوانند. یعنی با همین سادگی و تغییر الفبای یک کشور یک نسل از تاریخ، هویت و گذشته‌خودش منقطع و جدا می‌شود. در حالی که امروز می‌گوییم شاهنامه سند هویتی ماست، ولی کسی جدی و تأثیرگذار راجع به آن حرف نمی‌زند.

[۹] ما همگی در مورد ناترازی در آگاهی‌بخشی می‌دانیم، اما چرا آگاهی‌بخشی هدفمند اتفاق نمی‌افتد و چرا به یک نهضت تبدیل نمی‌شود؟ دشمن نمی‌گذارد از

دانش و پیشرفت و رشد ما خبری منتشر شود اما جای تعجب و تأسف دارد که خودمان هم کاری نمی‌کنیم. یعنی در روزنامه‌ها و رسانه‌های اصلی ما بخشی وجود ندارد که به تبلیغ نخبگان علمی اختصاص داشته باشد، تبلیغی که در وجه تبیین برای مخاطبان مختلف رسانه‌جا افتاده باشد؛ این است که دوباره باید به صحبت درباره همین آئیم ۱۲ دقیقه‌ای مکث بازگردیم. گویی که این معنا در مکث خوب جا افتاده و در این برنامه علاوه بر فهم شدن، بدل و روش آن هم به وجود آمده و به یک اثر تولیدی خوب تبدیل شده است.

نمایشگاه



فرهنگ

CULTURE

چهارشنبه ۲ آبان ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۸۸۸

۱ پذیرفته بودم در حوزه تبلیغات کار کنم اما خط قرمزهایی داشتم که آن را رد نمی‌کردم، چون قرار نبود به هر قیمتی، هر کاری بکنم

۲ احساس می‌کنم باید بابت خدماتی که در این کشور و از جمله در دوران تحصیل به من شده است، ادای دین و انجام وظیفه کنم

۳ همان امکانات مناطق محروم بود که به یونس محمدی‌ها کمک کرد فیلم بسازند، چیزهای جدید را تجربه کرده و به جشنواره‌ها راه پیدا کنند

۴ وقتی مهاجرت کردم، با همه تعامل و مشارکت سازنده‌ای که با جامعه داشتم، من را نپذیرفتند. فقط به این فکر می‌کردند که شما ایرانی هستی!

۵ با خودم گفتم اگر قرار است جویای حقیقت باشم، دیگر نمی‌توانم کار تبلیغاتی انجام دهم و یک‌شبه تبلیغات را کنار گذاشتم

۶ متأسفانه اگر خودت به انجام و اجرای کاری فکر کنی، کسی نیست که بیاید دستت را بگیرد و بگوید فلان کار مورد نیاز جامعه است، آن را انجام بده

۷ همسر در تمام مسیر زندگی خیلی با من همراه است، به گونه‌ای که می‌توانم بگویم عامل اصلی تولید «مکث» همسرم بوده است

۸ به نظرم یکی از عملیات‌هایی که رسانه‌های غربی، در ۲۰۰ سال گذشته علیه ما شروع کرده‌اند این بود که بدناف نسل‌های بعدی را از تاریخ‌شان جدا کنند

۹ من در عسلویه به چشم خودم دیدم چه کارهای بزرگ و عظیمی به دست بچه‌های خودمان انجام شده است، چراکسی راجع به این چیزها حرف نمی‌زند؟

۱۰ خیلی از هنرمندانی که در ماریج سکوت رسانه قرار گرفته‌اند، از این‌که سینمای آنها در خدمت دولت آمریکا و نظام هالیوود باشد ابایی ندارند، ولی از این‌که از کشور خودشان حرف بزنند هراس دارند



گزیده ویدئوئی



گزارش تصویری



تیزر

رسانه است وفرد تربیونی در اختیار دارد که عده‌ی زیادی تحت تأثیر آن هستند و چون به رسانه تو اعتماد دارند، مسئولیت آن با فرد است.

[۱] می‌خواستم به این موضوع هم اشاره کنم که گویش شما مثل هوش مصنوعی است. انگار هیچ نفعی در هیچ‌جا ندارد، یک بی‌طرفی مرشدگونه؛ مرشد عصر انفجار اطلاعات. همین‌طور آکسان‌گذاری شما طوری است که هر جا بخوایم، می‌توانیم آن را اچبی کنیم، به نوعی که در فاصله دو کلمه می‌توان کات داد.

واقعیت این است که هیچ سیاست و نقشه‌ای پشت این برنامه‌ها نیست و هرچه هست، مبنای شخصیتی و فکری دارد.

[۲] من دیگر در مورد برنامه جدید شما برای نوجوانان صحبت نمی‌کنم و فقط نوید می‌دهم که باید منتظر یک برنامه جذاب در حوزه نوجوان از سری کارهای تأثیرگذار و دیدنی آقای مکث باشیم.

قاب

